

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نوزدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۹۸، ۴۴-۳۱

نقد و بررسی فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا

رضا امینی*

چکیده

در این مقاله، فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا نوشته ریچارد الن اسپیرز، ترجمه بابک محقق و مسعود قاسمیان به زبان فارسی، معرفی و نقد شده است. از ویژگی‌های مثبت این فرهنگ ثبت و حفظ بخش بزرگی از واژه‌های گفتاری، کوچه‌بازاری، و ممنوع زبان فارسی و دیگری کارآمدی بسیار آن برای مترجمان انگلیسی به فارسی است. ترجمه اصطلاحات و پاره‌گفتارهای انگلیسی آن نیز در بیشینه موارد با ظرافت و دقت انجام شده است. افزون‌براین‌ها، این فرهنگ بخش زیرعنوان «جستاری در چیستی اسلنگ» را دارد که خواندن آن برای پژوهندگان این حوزه بسیار سودمند خواهد بود. باین‌همه، به‌لحاظ ارجاع‌دهی، ترجمه شماری از اصطلاحات و پاره‌گفتارها، گزینش برخی برابرها، و نیفزودن توضیحات لازم (به‌صورت پانوشت یا از هر ره‌گذر دیگری) درباره اصطلاحات، تعبیرها، و واژگان کم‌تر آشنا بر این فرهنگ خرده‌هایی وارد است که در این مقاله بدان‌ها توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مردم، زبان گفتار، زبان عامیانه، زبان کوچه‌بازار، واژه‌های ممنوع.

* دکترای زبان‌شناسی همگانی، استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، r.amini@richt.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

۱. مقدمه

هرگاه دربارهٔ امور «عامه» یا «مردم» سخن می‌گوییم، گویی که این تصور در ذهن خود یا مخاطبانمان هم وجود دارد که اهمیت این امور از امور «خاصان» یا «نخبگان جامعه» کم‌تر است. شاید علت این نگرش این باشد که فرهنگ، به‌ویژه در جامعه‌هایی چون جامعهٔ ما، همواره دو رویهٔ رسمی و غیررسمی داشته است که هر یک، باتوجه‌به موقعیت، مخاطبان، و انواع مناسبات و روابطی که ممکن است میان افراد برقرار باشد، به درجاتی در رفتار اهالی جامعه متجلی می‌شود و همین موضوع، برپایهٔ آنچه در جامعه‌شناسی می‌خوانیم، موجب تعریف «وجه‌های» (faces) مختلف برای افراد هر جامعه می‌شود. از جمله کاستی‌های زیان‌بار این‌گونه نگرستن به جهان اطراف یکی این است که هیچ‌گاه به شناخت درست و جامعی از جامعهٔ انسانی و رفتار اهالی آن دست نمی‌یابیم، چه این‌که بخش بزرگ، اگر نگوییم اصلی، تجربهٔ انسان با همین بخش غیررسمی آن است که به‌طور معمول به نوشته درنیامده (یا کامل درنیامده) و سینه‌به‌سینه و شفاهی از نسلی به نسل بعد گذر کرده است و از همین ره‌گذر ممکن است دچار افزایش یا کاستی شده باشد تا زشتی‌هایش به پس‌زمینه رانده شود و زیبایی‌هایش برجسته و نمایانده شود، بخش غیررسمی فرهنگ سانسورناشده، غریبان و بی‌ترس و شوخ و بذله‌گو و گاه تند و بی‌پرده خود را می‌نمایاند، به‌سان آینه که کاری به زشتی و زیبایی صورت ندارد و هرچه بر خود دیده همان را به اوایی که در برابرش ایستاده می‌نمایاند.

دربارهٔ زبان هم همین‌طور است، یعنی همین قاعدهٔ عام حاکم است. به‌سخن‌دیگر، برداشت عمومی بر این پایه استوار است که «نوشتار» از «گفتار» و «ادبیات» از زبان کوچه‌بازار و خانه برتر است. حال آن‌که به‌لحاظ وجودی «گفتار» مقدم بر «نوشتار» است و معلوم نیست که اگر «زبان» را از «ادبیات» منها کنیم از آن چه می‌ماند. این نوع نگرستن به «زبان» و «ادبیات» موجب نوعی نگاه طبقاتی و سلسله‌مراتبی به این دو شده است، تاجایی که در بالاترین جایگاه کاست (caste) برتر گونه‌های ادبی-زبانی فاخر، کهن، و رسمی قرار می‌گیرد و در پایین‌ترین پله کاست گونه‌های ادبی-زبانی عامه، کوچه‌بازاری، و خانه. به‌سخن‌دیگر، همان زبانی که ما هر روز در گفت‌وگوها و آمدوش‌ها و تعاملات روزمره به‌کار می‌گیریم و با آن بزرگ می‌شویم و بخش اصلی جریان اجتماعی شدن (socialization) خودمان و فرزندانمان از ره‌گذر آن محقق شده و می‌شود.

البته چنین نگاهی به زبان، ادبیات، و جهان پیرامون در زبان‌شناسی نوین جایی ندارد، چه این‌که در زبان‌شناسی امروز مبنای بررسی «گفتار» است، نه «نوشتار» و امر مکتوب، آن

هم گفتاری از نوع معمول، رایج، و راحت آن، همانی که هرکسی که عضو بومی جامعهٔ زبانی باشد، فارغ از طبقهٔ اجتماعی، جنس، نژاد، دین، و مذهب آن را می‌داند و به صورت خودکار در زندگی، تعامل‌ها، و گفت‌وگوهای روزمره‌اش به کار می‌گیرد و اتفاقاً، دست‌کم برپایهٔ معیارهای زبان‌شناسی اجتماعی و مطالعات زبان‌شناسانهٔ گویش‌ها، هرچه فرد بومی از سواد و آموزش رسمی بی‌بهره‌تر باشد، داده‌های زبانی او ارزش بیش‌تری دارد، چون بومی‌تر و دست‌نخورده‌ترند و دورتر از عامل‌ها، برداشت‌ها، قضاوت‌ها، و ارزش‌گذاری‌های مخمل برآمده از امور غیرزبانی.

کوتاه سخن این‌که در «علم» زبان‌شناسی زبان واقعی گویشور، همانی که مبنای تحلیل و تبیین زبان‌شناس قرار می‌گیرد، در گفتار اهل جامعه جست‌وجو می‌شود، نه در میراث نوشتاری به‌جای‌مانده از گذشته یا گونه‌های رسمی محافظه‌کار وفادار به بایدها و نبایدهای جامعه.^۱

با چنین نگاهی به جهان و فرهنگ «رسمی» و «غیررسمی»، در این نوشتار فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا (NTC's Dictionary of American Slang and Colloquial Expressions) نوشتهٔ آلن اسپیرز (Richard A. Spears) معرفی و نقد می‌شود. این فرهنگ را بابک محقق و مسعود قاسمیان، با همکاری آرش کلاتری، ترجمه و تألیف کرده‌اند و ناشر آن پیام امروز است.^۲

پیش از ورود به بحث بررسی و نقد فرهنگ مذکور، باید به این نکته اشاره کنیم که این فرهنگ از شناخته‌شده‌ترین فرهنگ‌های این زمینه در زبان انگلیسی است.^۳ پیش از ورود ترجمهٔ موردنظر این نوشتار به بازار کتاب ایران، ناشر دیگری نیز آن را ترجمه و روانهٔ بازار کتاب ایران کرده است (بنگرید به اسپیرز ۱۳۷۲). افزون‌براین، یکی دیگر از فرهنگ‌هایی که آلن اسپیرز برای زبان انگلیسی نوشته پیش از این به زبان فارسی برگردانده و منتشر شده است (بنگرید به اسپیرز ۱۳۹۱).

۲. بررسی شکلی فرهنگ مردم

بخش اصلی این فرهنگ، یعنی قسمت مدخل‌های آن، در ۵۸۱ صفحه سامان یافته است، اما فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا ۱۲۳ صفحهٔ دیگر نیز دارد که شامل «تقدیر و امتنان»، «مقدمهٔ نویسنده»، «جستاری در چیستی اسلنگ، از زیر و بم اسلنگ: رام‌کردن زبان سرکش»، «چه باشد آن‌چه خوانندش^۴ اسلنگ؟»، «کتاب‌نامهٔ

مقدمه»، «راهنمای استفاده از این فرهنگ»، «علائم اختصاری و نشانه‌ها»، «راهنمای آوانگاری»، و «کتاب‌نامه منابع پیکره‌ای» است.

از نظر صحافی، صفحه‌بندی، طرح جلد، قطع کتاب، فاصله خط‌ها، انتخاب حروف مناسب و اندازه آن‌ها، و حروف چینی این فرهنگ نمره بالا و بسیار خوبی دریافت می‌کند. ویراستاری آن نیز بسیار مطلوب و خوب است، چه این‌که نگارنده این نوشته به موردی از بی‌دقتی ویرایشی - نگارشی در آن برخورد نکرد. در تنظیم مدخل‌ها نیز، با بهره‌گرفتن از امکاناتی هم‌چون ایرنیک کردن نمونه‌های زبانی، کار مراجعه‌کنندگان به این فرهنگ برای یافتن معنا یا نمونه‌ای مشخص آسان‌تر شده است و درکل، بر «مقدمه» و «جستاری» که مترجمان/ مؤلفان فرهنگ بدان افزوده‌اند، سامان و نظم مشخصی حاکم است.

«علائم اختصاری و نشانه‌ها»ی این فرهنگ نیز خوب و روشن تعریف شده‌اند (ص ۱۱۴ - ۱۱۷) و در مدخل‌ها نیز دقیق و کارآمد به‌کار گرفته شده‌اند که این، درکنار توضیحاتی که در بخش «راهنمای استفاده از این فرهنگ» (ص ۱۰۷ تا ۱۱۴) و بخش «راهنمای آوانگاری» آن (ص ۱۱۹) آمده، مراجعه به فرهنگ موردنظر را آسان‌تر کرده است.

۳. بررسی و نقد محتوا و ترجمه فرهنگ مردم

ترجمه فرهنگ موردنظر به زبان فارسی و انتشار آن در کشور ما از چند نظر سودمند به نظر می‌رسد. در این بخش، نخست به این موارد می‌پردازیم. سپس، به برخی از ایرادهایی اشاره می‌کنیم که به ترجمه فرهنگ موردنظر یا مطالبی وارد است که مترجمان/ مؤلفان این کتاب بدان افزوده‌اند.

باتوجه به آن‌که این فرهنگ ترجمه یکی از فرهنگ‌های شناخته‌شده انگلیسی در این زمینه است و درواقع از ره‌گذر ترجمه از فرهنگی یک‌زبانه به فرهنگی دوزبانه دگرگون شده است، برای مترجمانی که از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کنند، بسیار سودمند است. به‌ویژه که ممکن است اصطلاح‌ها و تعبیرهای غیررسمی، کوچه‌بازاری، یا تابوی (درباره تابو بنگرید به وارداف ۱۳۹۳: ۳۸۰-۳۸۴) این دست فرهنگ‌ها به‌طور معمول در فرهنگ‌های عمومی، حتی از نوع بزرگ و غیرمختصر آن‌ها، آورده نشود. درنتیجه، مترجمان با رجوع به آن نوع فرهنگ‌ها نمی‌توانند به برابری برای این‌گونه اصطلاح‌ها و تعبیرها دست یابند.

افزون‌بر مترجمان، این فرهنگ برای کسانی که زبان انگلیسی را در سطوح مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی می‌آموزند سودمند است، چون ازسویی شامل نکته‌های کاربردی

مفیدی درباره برخی واژه‌ها و ترکیب‌های انگلیسی فهرست شده در آن است و از سوی دیگر، در ترجمه مدخل‌های آن ظرافت‌هایی دیده می‌شود که یادگیرنده زبان انگلیسی را به پیچیدگی‌های این زبان و حساسیت‌های کاربرد برخی از واژگان و اصطلاحات آگاه می‌کند. افزون‌براین، مدخل‌های این فرهنگ و ترجمه‌هایی که برای آن‌ها به‌دست داده شده است، نکته‌های زبان‌شناسانه خوبی را به مراجعه‌کنندگان به آن یادآوری می‌کند. برای نمونه، زبان‌آموزان زبان انگلیسی تازمانی که توانش^۴ قابل‌اتکایی از زبان انگلیسی در آن‌ها شکل نگرفته باشد و دانش قابل‌قبولی درباره دستور این زبان به‌طور خاص و دستور زبان به‌طور عام نداشته باشند، احتمالاً به هر عنصر واژگانی یک برچسب دستوری مشخص می‌دهند و مثلاً یکی را صفت می‌دانند، یکی را فعل و دیگری را قید. در صورتی که وقتی به واقعیت زبان مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که مقوله دستوری عناصری که در متن‌های زبانی به‌کار برده می‌شوند در بسیاری از موارد سیال است و می‌تواند باتوجه‌به عناصری که با آن در متن همراه می‌شوند تغییر کنند. برخی از مدخل‌های این فرهنگ این نکته را خیلی خوب به استفاده‌کننده از آن نشان می‌دهد. برای نمونه، یکی از مدخل‌های صفحه ۲۲۳، *has-been* است. به‌طور معمول، هر یادگیرنده زبان انگلیسی به *has been* برچسب فعل می‌زند. اما در این مدخل می‌بینیم که *has-been* هم در نقش اسم به‌کار رفته است (*Hary is just a has-been.*). *There is no future for him.*؛ هری دیگه تاریخ مصرفش تموم شده. آینده‌ای نداره.)، هم در نقش کمیت‌نما^۵ (*Now I'm a has-been football player*)؛ حالا دیگه یه فوتبالیست آزرده‌خارج‌ام^۶). در مدخل مذکور، برای *has-been* برابری هم‌چون «آزرده‌خارج»، «مهیره سوخته»، «بیرون‌گود»، «مرخص»، و «تعطیل» ارائه شده است که مانند بسیاری از موارد دیگر از دقت و ظرافت مترجمان/ مؤلفان این فرهنگ در یافتن و اختیارکردن برابری‌های فارسی برای اصطلاحات و پاره‌گفتارهای انگلیسی نشان دارد.

از این‌رو، در پیوند با نکته آخر بند پیشین می‌توانیم بگوییم که با برگ‌زدن این فرهنگ و اندکی دقت در مدخل‌ها و برابری‌های فارسی ارائه‌شده فارسی برای آن‌ها متوجه می‌شویم که مترجمان آن برای انجام گرفتن کار بسی کوشیده‌اند تا بتوانند نزدیک‌ترین تعبیر، اصطلاح، و برابر را برای هر مدخل، اصطلاح، و تعبیر انگلیسی بیابند و در موارد لازم آن‌ها را با نمونه‌های مناسب و روشن همراه کنند. از این نظر، جای دارد که بگوییم کار درآوردن این فرهنگ به زبان فارسی بیش‌تر تألیف بوده است تا ترجمه. بر همین مبنا، به این نکته نیز می‌توان اشاره کرد که مترجمان/ مؤلفان این فرهنگ در بومی‌سازی^۷ (*domestication*) متن به‌واقع کام‌یاب و پیروز بوده‌اند، آن‌چنان‌که وقتی خواننده به‌سراغ برابری‌های اختیارشده برای

پاره‌گفتارهای انگلیسی این فرهنگ می‌رود، به‌هیچ‌روی احساس بیگانگی و غریبگی نمی‌کند و خود را در «خانه» زبان خویشتن احساس می‌کند.

تعبیرها و اصطلاح‌ها یا به‌سخن‌دیگر، برابرها و نمونه‌های فارسی که در این فرهنگ داده شده‌اند، در موارد خیلی زیادی کوچه‌بازاری، تابو، و برآمده از زبان مخفی^۱ و ممنوع‌اند و لاجرم در کم‌تر منبعی ممکن است ثبت و حفظ شده باشند یا بشوند، همین موجب ازدست‌رفتن و فراموشی پُرشتاب آن‌ها می‌شود، به‌ویژه این‌که عناصر این نوع زبان خصلتی سیال، دگرگون‌شونده، و ناپایدار دارند و باتوجه‌به حال‌وهوا و ذائقه جامعه زبانی ممکن است مدتی «مُد» شوند و سپس کم‌کاربرد و مهجور شوند یا حتی به‌کلی فراموش شوند. از این‌رو، ثبت این دست اصطلاح‌ها و تعبیرهای تابو و ممنوع یا غیررسمی و کوچه‌بازاری نه‌فقط ثبت بخشی از داده‌های زبان فارسی است، بلکه به‌دلیل سازوکارها و آفرینندگی‌های ویژه‌ای که در ساخت و کاربرد آن‌هاست، می‌تواند دست‌مایه انجام‌گرفتن پژوهش‌های متعددی درباره سازوکارهای واژه‌سازی، استعاره‌آفرینی، و سویه‌های جامعه‌شناختی کاربرد آن‌ها (مسائل مربوط به فرهنگ، طبقه، سطح سواد، جنسیت، و... در کاربرد زبان) در جامعه ایرانی قرار گیرند.

این فرهنگ بخشی باعنوان «جستاری در چیستی اسلنگ» در حدود ۱۰۰ صفحه دارد که در آن مترجمان/ مؤلفان آن آگاهی‌های بسیار خوبی را درباره این بخش از زبان انسان، «تاریخچه اسلنگ و اسلنگ‌نگاری» در آمریکا و ایران، به‌هم‌راه معرفی فشرده کارهایی که در این زمینه انجام شده، و هم‌چنین تعریف خود «اسلنگ» و اصطلاحات مرتبط با آن به‌دست داده‌اند. از این‌رو، می‌توانیم بگوییم که این فرهنگ فقط دگرگونی فرهنگی یک‌زبانانه در زمینه «اسلنگ» از ره‌گذر ترجمه به فرهنگی دوزبانانه نیست، بلکه چنین است به‌علاوه «درآمدی بر چیستی اسلنگ» و از این نظر این فرهنگ ارزشی بیش از یک فرهنگ ساده اصطلاح‌ها و واژه‌های زبانی دارد و بسیار به کار پژوهندگان رشته‌های گوناگون علوم انسانی - اجتماعی می‌آید، تا آن‌جا که این بخش از فرهنگ می‌تواند در درس‌هایی هم‌چون جامعه‌شناسی زبان و تحلیل گفتمان، در رشته‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، و ارتباطات، به‌منظور منبع مکمل به دانشجویان معرفی شود.

باتوجه‌به تفاوت‌هایی که گفتار با نوشتار فارسی دارد، شمار زیادی از واژگان فارسی در گونه‌های گفتاری آن‌ها تلفظ‌های متفاوتی دارند و عملکرد فرایندهای آوایی مشخصی را با خود دارند. این فرهنگ امکان ثبت شمار زیادی از این تلفظ‌های گفتاری را فراهم کرده است؛ برای نمونه، «سلاطون» (ص ۷۳) در مدخل «cancer stick».

چنین فرهنگ و برابرهایی که در آن ارائه شده است، به خوبی نشان می‌دهد که زبان تا چه میزان می‌تواند مبتنی بر استعاره و حرکت از یک حوزه مفهومی به حوزه دیگر باشد تا معنایی با ظرافت بیش‌تر بیان شود یا سویه خاصی از آن برجسته‌تر شود. برای نمونه، در صفحه ۷۳، در معنای سوم canary، کاربر فرهنگ با این برابرها برخورد می‌کند: «آنتن (جاسوس)، آیفون، دکل، آواکس، بفروش، ماهواره، جلبک، فسک، رسیور، کفتر، ساتالایت، و رادیو». بیش‌تر این واژه‌ها به دلیل نقش یا کارکردی که در انتقال اطلاعات و داده‌ها دارند، با مفهوم «جاسوس» پیوند یافته‌اند که کارش گردآوری و فرستادن اطلاعات مشخصی است. جالب است که در معنای ۱ این مدخل ما با «بلبل (= خواننده زن)» و در معنای ۲ آن با «قناری [= کپسول زردرنگ نمبوتال (nembutal) که نوعی باربیتورات است.]» روبه‌رو می‌شویم که در آن‌ها نیز در یک مورد صدای خوش پرنده و در مورد دیگر رنگ کپسولی خاص مبنای کاربرد استعاری واژه canary قرار گرفته است. همین نکته را به گونه دیگری می‌توان درباره بازی زبانی زیبایی گفت که در به‌کارگیری «عیالات متحده/مربوطه» یکی از برابرهایی ترکیب انگلیسی ball and chain (ص ۱۶) وجود دارد. در این جا، به دلیل شباهت آوایی که بین واژه «ایالات» و واژه «عیال» در زبان فارسی وجود دارد، مترجمان/مؤلفان فرهنگ مورد بحث ترکیب «عیالات متحده» را ساخته‌اند که حامل معنای طنز و کوچه‌بازاری خاص خود است. دیگر برابرهایی ترکیب انگلیسی مذکور عبارت‌اند از «عیال مربوطه (-همسر)» و «خانوم بچه‌ها».

با وجود نکته‌های بالا، که همه مربوط به ویژگی‌های مثبت این فرهنگ بودند، بر این فرهنگ نیز همانند هر کار مشابه دیگری خرده‌هایی وارد است که در ادامه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم. نخستین نکته این است که بهتر بود واژه «اسلنگ» (slang) با جست‌وجوی بیش‌تر ترجمه می‌شد و این واژه بیگانه وارد زبان فارسی نمی‌شد. چه این که این نوع زبان در جامعه ما همواره وجود داشته است و گذشته از میل جامعه ایرانی به طنزپردازی و بذله‌گویی، که موجب پرورش شخصیت بلندآوازه‌ای هم‌چون عبیدزاکانی^۹ شده است، ایرانیان از گذشته افراد زبان‌آوری بوده‌اند که همین باعث شکل‌گیری گونه‌ها و سیاق‌های مختلف در زبان فارسی و دیگر زبان‌های کشور شده است. برای نمونه، می‌شد «اسلنگ» را به «عامیانه» یا «کوچه‌بازاری» یا واژه‌ها و ترکیب‌هایی از این دست ترجمه کرد. باید توجه کنیم که در مقدمه نویسنده، ریچارد آلن اسپیرز، در اشاره به ویراست سوم این فرهنگ می‌نویسد که اسلنگ در نخستین سال‌های هزاره نو «... کماکان ترکیبی است از کلمات و تعابیری که به مسائل جنسی،

دشنام‌ها، توهین‌ها، و زبان خلاف‌کاران و جز آن مربوط می‌شود و در این میان البته بازی زبانی جایگاهی ویژه دارد» (ص ۸۰). مؤلف در ادامه، در همان صفحه، باز اشاره کرده است که «این فرهنگ مجموعه‌ای است از اصطلاحات عامیانه، گفتاری، و محاوره‌ای قرن بیستم که در آمریکا متداول است و بسیاری از مردم آن را در کوچه و خیابان بر زبان می‌آورند...». بنابراین، می‌شود «اسلنگ» را به «زبان کوچه‌بازار» یا «زبان کوچه‌بازاری» ترجمه کرد که هم به تعریف مؤلف‌گونه انگلیسی این فرهنگ نزدیک است و هم برای خواننده ایرانی کاملاً فهم‌شدنی است. نام مجموعه بزرگی هم‌چون کتاب کوچه^{۱۰} احمد شاملو و پاره‌گفتارهایی هم‌چون «او خیلی کوچه‌بازاری حرف می‌زند» نیز مؤید درستی این پیش‌نهاد است. اشاره‌های دیگر مؤلف مبنی بر آن که «این‌گونه کلمات و عبارات» را باید در «گفت‌وگوهای غیررسمی و خودمانی» جست‌وجو کرد و این که «در بیش از دویست سال اخیر اصطلاحات زبان جاهلی و لمپنی یا زبان خلاف‌کاران، یکی از منابع اساسی تولید واژگان و تعابیر اسلنگی بوده‌اند» (ص ۵) باز مؤید این است که یافتن برابری برای واژه «اسلنگ» در زبان فارسی ممکن بوده است.

همان‌گونه که در بالا گفتیم، مترجمان این فرهنگ در ترجمه مدخل‌ها و گزینش برابری برای محتوای آن‌ها ظرافت بسیار به کار برده‌اند تا آن‌جا که بسیاری از ترجمه‌هایی که ارائه کرده‌اند به‌واقع «نزدیک‌ترین برابری فرهنگی» یا دست‌کم یکی از بهترین برابری‌ها است که امکان گزینش آن‌ها برای پاره‌گفتارهای موردنظر وجود داشته است. نمونه‌هایی از ظرافت کار مترجمان / مؤلفان فرهنگ مردم را در ادامه می‌آوریم.

در صفحه ۴۰۷، ذیل مدخل «rolling buzz» پاره‌گفتار *that stuff will give you a rolling buzz without pulling you to sleep* به «اون جنسه بدون این که بندازت بهت حال عمری می‌ده» برگردانده شده است. این ترجمه از هر نظر درست و بی‌عیب و نقص است. همین را می‌توان درباره برابری فارسی پاره‌گفتار *they pulled a big roust down on Fourth Street* در صفحه ۴۱۰، ذیل مدخل شماره ۲ «roust» نیز گفت. پاره‌گفتار مذکور به «خیابون چهارم حسابی بگیری‌گیر بود» ترجمه شده است که این هم ترجمه بسیار خوبی است. ترجمه *That's all we need a new mouth to feed. That's all we need* به «یه نون‌خور بیش‌تر. فقط همینو کم داشتیم» (ص ۵۱۰، ذیل مدخل «That's all sb needs») نیز به همان میزان خوب و ظریف است و همین‌طور ترجمه *they high fived and went off together* به «اونا زدن قدش و با هم رفتن» (ص ۲۳۵، ذیل مدخل «high five»). برگرداندن *that kind of behavior can give us all a*

black eye به «یه هم چین کارایی مایه آبروریزی همه ماست» (ص ۳۹، ذیل مدخل «black eye») نیز به خوبی با توجه به فرهنگ زبان مقصد انجام شده است. از این نوع ترجمه‌های خوب و ظریف در فرهنگ مردم فراوان یافت می‌شود.

باین‌همه، چنین می‌نماید که برای برخی از پاره‌گفتارهای انگلیسی امکان دادن برابره‌های بهتری در زبان فارسی فراهم بوده است. برای نمونه، call girl به صورت تحت‌اللفظی به «دختر تلفنی» برگردانده شده است (ص ۷۲) که بی‌گمان امکان یافتن برابره‌های بهتر و استعاری‌تری برای آن بوده است؛ برای نمونه، «خانوم تلفنی»، «فا*شه تلفنی»، و «ج*ده تلفنی»؛ به‌ویژه این‌که در همان صفحه call house به «نجیب‌خونه (= فاحشه‌خانه) و خونه فساد» برگردانده شده است، هرچند در این مورد نیز معنای استعاری call در فرایند ترجمه به کلی از دست رفته و «خونه فساد» هم به دلیل بار ارزش‌گذارانه‌ای که در زبان فارسی دارد، برابر مناسبی برای call house انگلیسی، که فاقد چنین بار ارزشی است، به نظر نمی‌رسد.

در موارد زیادی کاربرد این فرهنگ به واژه‌ها یا ترکیب‌هایی برمی‌خورد که ممکن است برایش به کلی ناآشنا باشد؛ برای نمونه، «مُند بالا» ذیل مدخل «fat cat» در صفحه ۱۵۳، «فَتُول، شیمبَل» ذیل مدخل «fakus» در صفحه ۱۵۱، «اَطَل» ذیل مدخل «dick» در صفحه ۱۱۵، «آفیسِه (= توالِت زنانه)» ذیل مدخل «ruth» در صفحه ۱۴، و «اودوس» ذیل مدخل «stoking» در صفحه ۸۰. بهتر بود که مترجمان/ مؤلفان این فرهنگ برپایه سازوکار یا تدبیری مشخص این دست واژه‌ها و ترکیب‌ها را توضیح می‌دادند تا فهم آن‌ها برای کاربر فرهنگ آسان‌تر شود، به‌ویژه که ممکن است او بسیاری از این دست واژه‌ها و ترکیب‌ها را نتواند در فرهنگ دیگری بیابد.

یکی دیگر از نکته‌هایی که درباره این فرهنگ می‌توان برشمرد، نوعی سرگردانی در میان انگلیسی و فارسی است. بدین معنا که مترجمان/ مؤلفان گاه میان انگلیسی و فارسی مرزگذاری مشخصی نکرده‌اند و همین موجب شده است که آنچه مناسب زبان انگلیسی است، درباره زبان فارسی نیز به کار برند. برای نمونه، در صفحه «هشتاد» در بخش ۳.۱.۶ از «کلمات کاف‌دار / سه‌نقطه‌دار / F‌دار / چهارحرفی (F-words)» سخن گفته می‌شود که این‌گونه تعریف می‌شوند: «کلمات چهارحرفی که قبیح یا رکیک‌اند و ناظر به اعمال جنسی یا مایعات و ترشحات بدن... نظیر...». نمونه‌های ارائه‌شده در این‌جا نیز از زبان انگلیسی‌اند. پرسشی که با خواندن این بخش از فرهنگ مردم ممکن است برای خواننده مطرح شود، این است که وقتی شما در این بخش از زبان فارسی حرف نمی‌زنید، پس به چه دلیل اصطلاح «کلمات کاف‌دار» را در عنوان این بخش آورده‌اید یا این‌که حال که این «جستار»

سودمند را شما به فرهنگ افزوده‌اید، چرا مبنای کار را در همه موارد بر ارائه داده‌ها و نمونه‌های فارسی قرار نداده‌اید. از این‌ها که بگذریم، این نکته هم مطرح است که همه واژگان «قبیح یا رکیک و ناظر به اعمال جنسی یا مایعات و ترشحات بدن» در زبان فارسی هم با «کاف» آغاز نمی‌شوند که بتوانیم آن‌ها را «کلمات کاف‌دار» بگوییم و از واژگان دیگر زبان فارسی متمایزشان کنیم. سرگردانی در میان انگلیسی و فارسی گاه باعث شده است که مؤلفان/ مترجمان این فرهنگ توضیحات ارائه‌شده را با نمونه‌هایی که فهم مطلب را آسان‌تر می‌کند، همراه نکنند. برای نمونه، در بخش پنجم «جستاری در چیستی اسلنگ...»، که به «توصیف مختصات اسلنگ» اختصاص دارد، همه ارجاع‌ها به چند منبع اغلب تکرارشونده انگلیسی است که البته از این می‌توان چشم پوشید، اما درباره هیچ کدام از مختصات اسلنگ نمونه‌ای ارائه نشده است، حال آن‌که گاه وجود چنین نمونه‌هایی برای فهم مختصه موردنظر لازم بوده است. برای نمونه، یکی از مختصات برشمرده شده برای اسلنگ «دورگه‌گونگی» است که بدین صورت تعریف شده است: «اسلنگ را بعضی اوقات گونه زبانی دورگه می‌دانند، چون درزمره واژه‌های آن الفاظ خارجی و بیگانه یا وام‌واژه‌ها دیده می‌شوند» (ص ۷۸). بهتر بود که در این جا مؤلفان/ مترجمان فرهنگ مردم نمونه‌هایی از اسلنگ‌های «دورگه‌گونه» را از زبان فارسی یا هریک از زبان‌های دیگر ایران، یا حتی خود زبان انگلیسی، ارائه می‌کردند تا موضوع برای خواننده روشن‌تر و فهم‌شدنی‌تر باشد.

در بخش «جستاری در چیستی اسلنگ: از زیر و بم اسلنگ» مترجمان/ مؤلفان نخست از صفحه چهارده تا هفده درباره «تاریخچه فرهنگ اسلنگ و اسلنگ‌نگاری» سخن می‌گویند. آن‌ها در این صفحات اطلاعات زیادی درباره موضوع موردنظر ارائه می‌کنند، بی‌آنکه نشانی هیچ منبعی را بیاورند، درحالی‌که کاملاً پیداست آن اطلاعات از مؤلفان/ مترجمان فرهنگ نیست و برای دستیابی به آن‌ها باید به منبع‌های زیادی رجوع کرد؛ مگر آن‌که این بخش را کم‌وبیش از جایی برداشته و ترجمه کرده باشند. این نکته را درباره بخش زیادی از اطلاعاتی که در بخش «جستاری در...» این فرهنگ آمده نیز می‌توان مطرح کرد. از این‌رو، جای داشت که مؤلفان/ مترجمان فرهنگ مردم به شیوه‌ای مشخص منبع اطلاعات خود را ذکر می‌کردند و از این ره‌گذر گذشته از رعایت سویه‌های اخلاقی این موضوع، سویه پژوهشی و علمی - دانشگاهی کار خود را نیز نمایان‌تر می‌کردند.

بهتر بود که مترجمان/ مؤلفان کتاب موردنظر در آوردن برابر برای شماری از اصطلاحات بیش‌تر دقت می‌کردند. برای نمونه، dysphemism به «قبیح تعبیر/ دژگویی» برگردانده شده است (ص ۸۴) که به‌طور مشخص در قیاس با «حسن تعبیر/ به‌گویی/

خوشایندسازی»^{۱۱} برابر euphemism ساخته شده است. بهتر بود که اصطلاح انگلیسی مورد نظر به «حُسن زدایی از کلام»، «قُبْح افزایی به کلام»، یا «خوشایندسازی» یا حتی «بدنمایی»، «زشت‌نمایی»، یا «لطف‌زدایی از کلام»^{۱۲} برگردانده می‌شد که معنایی روشن دارند و ساختشان نیز با روح و فضای معمول زبان فارسی بیگانه نیست. خرده‌مشابهی را می‌توان به کاربرد اصطلاحات/ واژگانی هم‌چون «کوتاه‌دوامی» (ص ۷۶)، «شناخت»، «رکاکت»، «دورگه‌گونگی» (ص ۷۷) نیز گرفت، چه این‌که در هر مورد امکان ارائه‌ی برابرِ بهتر یا گویاتری بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

فرهنگ‌نگاری در ایران پیشینه‌ی درازی دارد. بررسی روند این کار در دوران معاصر از پیشرفت روزافزون این حوزه حکایت دارد و فرهنگ‌نگاری رفته‌رفته از کار عمومی و حتی تفننی به کاری تخصصی و علمی تبدیل شده است. افزون‌براین، رفته‌رفته به نگارش فرهنگ‌های تخصصی و فرهنگ‌هایی که اصطلاحات و واژگان حوزه‌ی خاصی از زبان در آن‌ها گردآوری شده توجه بیش‌تری شده است. باتوجه‌به آن‌چه در بخش‌های دیگر مقاله آمد، می‌توان گفت که فرهنگ نقدشده در این مقاله به‌دلیل ارائه‌ی معادل‌های دقیق و گردآوری و ثبت شمار زیادی از واژگان، اصطلاح‌ها، و پاره‌گفتارهای زبان معمول، روزمره، و کوچه‌بازار ایران اثر ارزش‌مند و بسیار سودمندی است، هرچند در ارائه‌ی برخی از برابرها یا تدوین و تنظیم بخش‌های افزوده‌شده به آن به تأمل و دقت بیش‌تری نیاز دارد. از این‌رو، درکل می‌توان گفت که این فرهنگ در شمار فرهنگ‌های دوزبانه‌ی کارآمد و سودمند منتشرشده‌ی سال‌های اخیر در ایران است. کارآمد از این نظر که کار مترجمانی که از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کنند و کسانی را که به آموختن زبان انگلیسی مشغول‌اند در یافتن برابرهایی خوب و گویا برای واژه‌ها و تعبیرهای عامیانه، غیررسمی، کوچه‌بازاری، و ممنوع‌یاری می‌کند و ترجمه‌های ظریف و بسیار خوب پاره‌گفتارهای انگلیسی‌ای که برای نمونه در مدخل‌های این فرهنگ ارائه شده‌اند نیز می‌تواند الگویی باشد برای آموختن ترجمه برای مترجمانی که هنوز تجربه‌ی انباشتی لازم و کافی را در این زمینه ندارند و سودمند از این نظر که واژگان، تعبیرها، و اصطلاحات فارسی‌ای که در این فرهنگ گرد آورده شده‌اند، مانند هم‌تایان خود در هر زبان دیگری، خصلتی ناپایدار و گذرا دارند و در موارد زیادی تابعی از مُد، ذائقه، و سلیقه فرهنگی - زبانی زمانه و دوره‌ی خاصی‌اند. از این‌رو، گردآورندگان در این

فرهنگ مانع سپرده‌شدن آن‌ها به دست نیستی و فراموشی است. افزون‌براین، داده‌های ثبت‌شده در این فرهنگ می‌تواند منبعی باشد برای انجام پژوهش‌های مختلف زبانی و غیرزبانی درباره جامعه زبانی‌ای که آفریننده این داده‌هاست. با برطرف شدن خرده‌هایی که بر فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا وارد است، این فرهنگ در چاپ‌های آینده می‌تواند از آنچه اکنون است کارآمدتر و سودمندتر شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته چنانچه هدف بررسی تاریخی زبان یا سیر تحول آن باشد، بی‌گمان زبان‌شناس به متن‌های تاریخی زبان و گونه‌های گذشته آن نیز رجوع می‌کند، اما به‌طور کلی، مبنای کار زبان‌شناسی بررسی وضعیت امروزی زبان است، نه وضعیت گذشته آن.

۲. برخی از نکته‌های مطرح‌شده در این‌جا در معرفی کوتاه کتاب موردنظر در مجله فرهنگ‌بان موردتوجه بوده است (در این باره، بنگرید به امینی ۱۳۹۸).

۳. البته درباره این نوع زبان فرهنگ‌های بسیار دیگری نیز به زبان انگلیسی در دسترس است، اما افزون‌بر فرهنگ و واژه‌نامه، در زبان انگلیسی منابع بسیار دیگری نیز درباره این نوع زبان در دست است. در این منابع، «اسلنگ‌ها»، تابوها، اصطلاحات خوشایندسازی‌شده، و... در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف گردآوری، تحلیل، و بررسی شده‌اند. برخی از این منابع نگاهی دانش‌نامه‌ای به این حوزه دارند. سودمندی این منابع به‌طور خاص در این است که در قالب مباحث یا مقاله‌های فشرده تخصصی یا نیمه‌تخصصی جنبه‌های مختلف موضوع معرفی و بررسی شده است. از جمله منابع دانش‌نامه‌ای معتبر این حوزه در زبان انگلیسی می‌توان به این دانش‌نامه اشاره کرد:

Hughes, Geoffrey (2006), *An Encyclopedia of Swearing: The Social History of Oaths, Profanity, Foul Language, and Ethnic Slurs in the English-Speaking World*, London: M. E. Sharpe.

داده‌های این دانش‌نامه، افزون‌بر انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی، شامل داده‌های گونه‌های شناخته‌شده دیگر این زبان از جمله انگلیسی، اُسترالیایی، انگلیسی کانادایی، انگلیسی آفریقای جنوبی، و انگلیسی منطقه کارائیب است.

4. linguistic competence

۵. کمیت‌نما (modifier/ mod) در این فرهنگ «اعم از صفت، عبارت وصفی، قید و عبارت قیدی» است (ص ۱۱۶).

۶. اگر گفته شود که وجود «-» بین has و been در یک متن خاص به خواننده می‌گوید که has-been دارای هویت دستوری متفاوتی از has been است، در پاسخ باید بگوییم که هر زبان‌آموزی لزوماً

با چنین تفاوت‌ها و قراردادهای مربوط به آن‌ها آشنا نیست و باید تفاوت‌های این‌چنینی را با رویه‌روشدن با داده‌های زبانی گویا و روشن، از نوعی که در این فرهنگ برای مدخل has-been و مدخل‌های دیگر ارائه شده است، بیاموزد.

۷. میزان کام‌یابی مترجم در بومی‌سازی متنی که به ترجمه آن اقدام کرده از معیارهای خوبی است که می‌توان برای ارزیابی علمی و چهارچوب‌مند ترجمه به‌کار گرفت. بومی‌سازی دربرابر «بیگانه‌سازی» (foreignization) قرار دارد که موجب نزدیکی متن مقصد با متن مبدأ و در نتیجه بیگانگی و غریبگی‌اش با طرز بیان و نوشتار طبیعی زبان مقصد می‌شود. برای آشنایی بیش‌تر با این دو معیار و دیگر معیارهای نقد و ارزیابی چهارچوب‌مند ترجمه بنگرید به مقاله خوب و سودمند هاشمی میناباد، ۱۳۹۶.

۸. درباره زبان مخفی بنگرید به سمایی ۱۳۸۲. سمایی در این اثر مجموعه‌ای از پاره‌گفتارهای «زبان مخفی» را ارائه کرده و توضیح داده است. در منابع دیگری هم‌چون شهری (۱۳۸۳) و ستوده (۱۳۹۳) نیز شماری از پاره‌گفتارهای عامیانه، کوچه‌بازاری، و مربوط به زبان مخفی گردآوری و توضیح داده شده‌اند، اما این دست منابع هیچ‌یک مختص گردآوری یا بررسی و تحلیل این بخش از زبان نیستند. برای خواندن نقدی درباره کتاب *زبان مردم طهران* منوچهر ستوده بنگرید به امینی، ۱۳۹۴.

۹. برای خواندن آثار عبید زاکانی، به‌ویژه سخنان و پاره‌گفتارهای طنزآمیز او، بنگرید به تصحیح ماندگار و کم‌نظیر زنده‌یاد محمدجعفر محجوب: عبید زاکانی (۱۹۹۹)، *کلیات عبید زاکانی*، تصحیح محمدجعفر محجوب، نیویورک: Bibliotheca Persica Press.

۱۰. کتاب *کوچه فرهنگی چندجلدی* مشتمل بر عناصر و پاره‌گفتارهای فرهنگ عامه ایران است. این فرهنگ بزرگ تألیف احمد شاملو با همکاری آیدا سرکیسیان است. چهارده جلد این اثر منتشر شده و بخش‌هایی از آن هنوز منتشر نشده است. برای خواندن نقد خوبی درباره این فرهنگ بنگرید به صادقی، ۱۳۶۲.

۱۱. برای خواندن بحثی سودمند درباره حسن تعبیر یا خوشایندسازی زبانی، بنگرید به کامرون ۱۳۹۵. هم‌چنین به مقاله کلاسیک و دوران‌ساز ذیل از جورج اُرول بنگرید:

Orwell, George (1946), "Politics and English Language", in: *The Collected Essays, Journalism and Letters of George Orwell*, vol. 4, In Front of Your Nose, 1945-50, S. Orwell and I. Angus (eds.), Harmondsworth: Penguin.

۱۲. «لطافت‌زدایی از کلام» برابر خوبی برای اصطلاح dysphemism به‌نظر می‌رسد، بدین دلیل که در زبان فارسی ما مفهوم «تلطیف» یا «تلطیف کلام» را داریم که می‌توان آن را برابر اصطلاح euphemism به‌کار برد.

کتاب‌نامه

- اسپیرز، ریچارد ای. (۱۳۷۲)، *فرهنگ اصطلاحات عامیانه انگلیسی - فارسی رهنما*، ترجمه قاسم کیبیری، تهران: رهنما.
- اسپیرز، ریچارد ای. (۱۳۹۱)، *فرهنگ عبارات و اصطلاحات انگلیسی آمریکایی*، ترجمه و تدوین ساقی نخعی‌زاده، تهران: فرهنگ معاصر.
- اسپیرز، ریچارد ای. (۱۳۹۷)، *فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا*، ترجمه بابک محقق و مسعود قاسمیان، تهران: پیام امروز.
- امینی، رضا (۱۳۹۴)، «درباره زبان مردم طهران»، فصل‌نامه نقد کتاب ادبیات، س ۱، ش ۲.
- امینی، رضا (۱۳۹۸)، «درباره فرهنگ مردم»، *فرهنگ‌بان*، س ۱، ش ۱.
- ستوده، منوچهر (۱۳۹۳)، *زبان مردم طهران*، تهران: رهنما.
- سمائی، مهدی (۱۳۸۲)، *فرهنگ لغات زبان مخفی*، تهران: نشر مرکز.
- شاملو، احمد (۱۳۸۸)، *کتاب کوچه*، ۱۴ ج، تهران: مازیار.
- شهری، جعفر (۱۳۸۳)، *طهران قدیم*، ۵ ج، تهران: معین.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۲)، «کتاب کوچه»، در *نقد آگاه: در بررسی آرا و آثار*، تهران: آگاه.
- عبید زاکانی (۱۹۹۹)، *کلیات عبید زاکانی*، تصحیح محمدجعفر محجوب، نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
- کامرون، دیورا (۱۳۹۵)، *بهداشت زبان*، ترجمه رضا امینی، تهران: نشر بوی کاغذ (بوکا).
- وارداف، رونالد (۱۳۹۳)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، ترجمه رضا امینی، تهران: شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نشر بوی کاغذ (بوکا).
- هاشمی میناباد، حسن (۱۳۹۶)، «ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲)»، فصل‌نامه نقد کتاب ادبیات، س ۲، ش ۱۲.
- Hughes, Geoffrey (2006), *An Encyclopedia of Swearing: The Social History of Oaths, Profanity, Foul Language, and Ethnic Slurs in the English-Speaking World*, London: M. E. Sharpe.
- Orwell, George (1946), "Politics and English Language", in: *The Collected Essays, Journalism and Letters of George Orwell*, vol. 4, In Front of Your Nose, 1945-1950, S. Orwell and I. Angus (eds.), Harmondsworth: Penguin.